

تاریخ جمهوری اسلامی را چه کسانی می نویسند؟

رئیس مجلس شورای اسلامی در نماز جمعه ۱۸ خرداد گفت: "شما می دانید الان دستهای در داخل و خارج کشور تاریخ می نویسند. در تمام تواریخ مطمئناً کمتر نقش به اسلام و به منادیان اسلام یعنی روحانیت داده شده است". وی از جمله به مارکسیستها اشاره کرد، که کویاسمی دارند نقش روحانیون را منفی جلوه گر سازند (کیهان، ۶۳/۳/۹)

در اینکه بسیاری کسانی که حقایق تاریخی را دانسته و فهمیده و وارونه جلوه گر می سازند، تردیدی نیست. خود حکام جمهوری اسلامی در راس اینگونه "تاریخ نویسان" قرار دارند. همه نوشته ها و گفته های آنان در کلیه زمینه های تاریخی اعم از گذشته و حال، به ویژه ارزیابی از نقش نیروهای انقلابی و در وهله نخست حزب توده ایران در نهضت های رهائی بخش کشور ما سراها تحریف و دروغ است.

ولی مارکسیستها تاریخ را آنچنان که هست، بر اساس اسناد و فاکت های انکارناپذیر و مستند بازگو می کنند. اکبر این فاکتها مثبت باشند، طبعا ارزیابی از آنها نیز مثبت خواهد بود. باد نظر گرفتن این شیوه تحلیل، می توان گفت، تاریخ را نه ما که خود "منادیان اسلام، یعنی روحانیت" به رشته تحریر می کشند.

مثلا، در ارزیابی عملکرد پنجاه ساله نظام ج ۰۱۰، ما به این نتیجه می رسیم که سران رژیم

بقیه در صفحه ۳



دوره هشتم - سال اول - شماره ۶
پنجشنبه ۲۱ تیر ۱۳۱۳
بها ۲۰ ریال

بار دیگر سیاست "ورشکست کن، حکومت کن"!

وهله نخست صنایع در خدمت کشاورزی را راه نجات معرفی می کنند. در این میان آنچه مورد توجه نیست ایجاد صنایع سنگین است.

هواداران اولویت کشاورزی توانستند بنیاد نوحاسته "جهاد سازندگی" را به وزارتخانه تبدیل کنند و بدینسان د و وزارتخانه یعنی وزارت کشاورزی و وزارت جهاد سازندگی مامور "نجسات" تولید کشاورزی شدند. "جهاد سازندگی" که در نخستین سال پس از پیروزی انقلاب تشکیل شد و اخیراً سالگرد تاسیسش را با جلال و جبروت جشن گرفتند، وظیفه داشت کشور را از لحاظ محصولات کشاورزی بی نیاز از خارج سازد، سیل مهاجرت روستائیان به شهرها را از طریق نوسازی

بقیه در صفحه ۷

بیماری اقتصاد ملی، نیازی به تشخیص ندارد. مسئولین امور بارها به وابستگی عمیق تولید صنعتی و کشاورزی ایران به جهان سرمایه داری اعتراف کرده اند. آنچه مردم ایران پنج سال آزرگار در انتظارش روزشمار می کنند، ارائه نسخه ای است، که این بیمار در حال احتضار را از مرگ نجات دهد.

در پنجاه سال اخیر در زمینه حل مشکلات اقتصادی، نظراتی از جانب دست اندرکاران دولتی ارائه شده، که بحث پیرامون آنها هنوز ادامه دارد. گروهی ادعا می کنند، اصرار دارند که برای پایان دادن به وابستگی کشور و تأمین استقلال اقتصادی، باید برای کشاورزی اولویت قائل شد. گروهی دیگر ایجاد صنایع کوچک و در

وظیفه ما در روند بحرانی کشور

رویدادهای مهم در صحنه بین المللی مبین تغییر تناسب نیروها به سود سوسیالیسم و پیشرفت اجتماعی و به زیان امپریالیسم است. از سویی جامعه کشورهای سوسیالیستی و پیشاپیششان اتحاد شوروی با گامهای استواری در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی به کامیابیهای بزرگ نائل می شود و در روند انقلابی جهان به نحو مثبتی تأثیر می کند، و از سوی دیگر سیستم جهانی سرمایه داری پس از مرحله نوینی از بحران عمیق بنیادی، اجتماعی اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک دست به گریبان است، که این نیز موجب تضعیف باز هم بیشتر سرمایه داری بمثابه یک سیستم می گردد. بیکاری مزمن که شامل بیش از ۳۰ میلیون نفر می شود و عدم اطمینان به آینده، که یکی از مشخصات جوامع سرمایه داری است، مبارزات طبقاتی را هر چه بیشتر تشدید می کند. همچنین سیاست نوس-استعماری فارت کشورهای رشد یافته، خلقها را علیه امپریالیسم و در وهله نخست علیه امپریالیسم آمریکا برمی انگیزد.

تشدید و خامت اوضاع بین المللی، که ارتجایی ترین جناح جنگ طلب امپریالیسم آمریکا مقرر است، بشریت را با جنگ هسته ای تهدید می کند. امپریالیسم که مواضع خود را یکی پس از دیگری از دست می دهد، و با شکست سیاسی در جهان روبرو است، سیاست تجاوز به حقوق خلقها را تشدید می کند. پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده آمریکا ۲۶۰ بار از نیروی نظامی خود برای سرکوب نهضت های رهائی بخش در این و یا آن منطقه از جهان استفاده کرده است. نتیجه این عملکرد ضد انسانی و آشنگتن ۱۰ میلیون کشته، یعنی برابر مجموع تلفات جنگ جهانی اول است. تجاوز مستمر امپریالیسم به حقوق خلقها، مسئله بس مهم و حیاتیست. بقیه در صفحه ۲

گشتهای تازه نفس برای سرکوب مردم

مشخص شده در قانون بعنوان مفسد فی الارض اعدام خواهند شد.

در این مراسم آقای ناطق نوری به تصویر د ورنمای این اداره که دایره فعالیت آن در حال حاضر به سطح شهر تهران محدود می شود. پرداخت و آن را "بعنوان گامی در جهت تکمیل وزارت امر به معروف و نهی از منکر" قلمداد کرد. به عبارت دیگر این نهاد در آینده فعالیت خود را به سرتاسر ایران گسترش خواهد داد.

بدین ترتیب به ارگانهای آزار، خفگیان و سرکوب رژیم ج ۰۱۰ یکی دیگر هم افزوده شد. "گشتهای مبارزه با منکرات" در خیابانها و کوچه و پس کوچه های شهر بزرگ تهران حرکت خواهند کرد و کسی را که طرز راه رفتن، خندیدن و لباس پوشیدنش مورد پسند "خواهران و برادران" واقع نشود دستگیر و "مجازات" خواهند کرد. تحمیل عقیده و سلیقه در ایران به مبناس بی سابقه ای رواج یافته است. سردمداران رژیم به پیگرد و سرکوب نیروهای سیاسی انقلابی بقیه در صفحه ۷

در مراسمی با حضور مقتدائی عضو و سخنگوی شورایی عالی قضائی، ناطق نوری وزیر کشور و گروه دیگری از مسئولین دولتی، گشتهای "مبارزه با منکرات" وابسته به "اداره کل امر به معروف و نهی از منکر کمیته های انقلاب اسلامی" فعالیت خود را آغاز کردند.

حجت الاسلام جواد الهی سرپرست این اداره طی یک سخنرانی اعلام کرد: "هدف این گشتهای مبارزه با جرائم مشهود و پنهان است. گروههای گشت مبارزه با منکرات از د و گروه خواهران و برادران با یک سرگروه و چند سرنشین تشکیل می شوند که بطور زوجی در سطح شهر به گشت زنی می پردازند. هنگام تذکره به کسانی که اعمال منکر را مرتکب می شوند در مورد خانمها فقط خواهران و در مورد آقایان فقط برادران اقدام خواهند کرد." (اطلاعات ۲۶ خرداد ۶۳)

آقای مقتدائی در باره سرنوشت دستگیر شدگان گفت: "در صورت عدم رعایت موازین اسلامی و انجام اعمال منکر و بی توجهی به هشدارها و ارشادات و در صورت داشتن جسم

پایدار باد همبستگی جهانی بازندان توده ای!

وظیفه ما...

بقیه از صفحه ۱

گسترش مبارزات انقلابی ملت‌ها و اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و نام‌همین وحدت عمل طبقه کارگر در مقیاس داخلی و بین‌المللی را ضروری می‌سازد.

بررسی اوضاع ایران بیانگر آنست که جهات ارتجاعی در سیاست داخلی و خارجی رژیم ج ۱۰ بیش از پیش تشدید می‌شود. از سوئسی ارگانهای سرکوبگر رژیم به شدت‌ترین شکل همچنان به سرکوب و حشیاانه دگراندیشان و هرگونه مخالفتی از جانب مردم ادامه می‌دهند، و از سوی دیگر رژیم از سیاست همکاری گسترده و نیز سیاست "صدور انقلاب اسلامی" که ادامه جنگ ایران و عراق یکی از مظاهر آنست، پیروی می‌کند. در عرصه ایدئولوژیک این گرایش‌های ارتجاعی رژیم هر چه بیشتر خصلت ضد کمونیستی به خود می‌گیرد و نفی هرگونه آزادیهایی در مکتبک و توجیه استبداد قرون وسطائی، به صورت نظریه رسمی مقامات ج ۱۰ عنوان می‌گردد.

شرایط زندگی توده‌های زحمتکش روز بروز به نحو باوری به وخامت می‌گراید. ترقی قیمت‌ها بطور کلی و گرانی روز افزون کالاها و خدمات مورد نیاز توده‌های وسیع زحمتکشان (خوراک، پوشاک، کرایه‌خانه، حمل و نقل، معالجه و غیره) به حدی رسیده، که حتی سخنگویان رسمی دولتی و دستگاه تبلیغاتی رژیم آشکارا به آن اعتراف دارند. تورم فزاینده، بیگاری فراگیر، رکود دستمزدها و عدم کفایت حقوق کارگران و کارمندان متوسط و پائین، مؤسسات دولتی و خصوصی و نیز درآمد ناچیز توده‌های روستائی، سطح زندگی و قدرت خرید زحمتکشان را بیش از پیش تنزل داده است.

ناراضی عمومی ناشی از وضع وخامت‌یابار اقتصادی، اجتماعی و نیز ادامه جنگ و تشدید ترور و اختناق به اشکال گوناگون در سراسر کشور بروز می‌کند. اگر چه رژیم و ارگانهای سرکوبگرش مانع از آندتا این ناراضی در مقیاس وسیع و همگانی تظاهر نماید، ولی با این وجود مقاومت و تظاهرات گروهی و انفرادی در یکسال گذشته اندک نبوده است. اعتصابهای کارگری، کم کاری در کارگاهها و ادارات دولتی، تظاهرات جمعی در برخی از محلات تهران و شهرستانها، اعتراضات گسترده علیه دخالت حکام ارتجاعی در انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در شهرهای مختلف، که در پاره‌ای موارد بی‌بزه زد و خورد خونین میان مردم و پاسداران انجام و تعداد زیادی کشته و زخمی بر جای گذارد و بالاخره راهی منفی مردم در انتخابات، نمونه‌های بارز تشدید مبارزه توده‌های است. مقاومت مادران و پدران در قبال اعزام کودکان به جبهه‌های جنگ، اوضاع جوانان از رفتن به کشتارگاهها و فرار آنان از نظام وظیفه بیانگر اعتراضات در حال توسعه علیه جنگ و بازتابی از روحیه عیسائی است، که در میان قشرهای مختلف مردم طبقه سیاست داخلی و خارجی رژیم وجود دارد.

در چنین شرایطی وظایف مهمی در برابر حزب ما به مثابه حزب طبقه کارگر و مدافع

زحمتکشان قرار می‌گیرد، که تحکیم هر چه بیشتر وحدت و انضباط درون حزبی و تشدید فعالیت سازمانی از آن جنبه است. اعضا، حزب توده ایران در داخل و خارج از کشور باید با استفاده از کلیه امکانات طبقه سیاست رژیم در زمینه احیای مواضع امپریالیسم، که حامل کلیه فلاکت‌ها و مصائب برای مردم ما بوده و هست مبارزه کرده و سیاست نو استعماری و تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا را افشاء کنند.

اعضای حزب وظیفه دارند، زحمتکشان را برای مبارزه علیه ادامه جنگ، که آینده نسل جوان را به مخاطره انداخته و بخش عمده درآمد ملی ما را می‌بلعد و نیز سبب تشدید هر چه بیشتر خصلت ارتجاعی در سیاست دولت می‌شود، بسیج کنند. حزب ما علیه کلیه مظاهر ترور و اختناق به مبارزه می‌پردازد و بطور پیگیر از همه عناصر و نیروهای ملی و مترقی و انقلابی، که مورد ناخوش و ناز ارگانهای سرکوبگر رژیم اند، دفاع کرده و کلیه امکانات خود را برای افشاء سیاست ضد مردمی رژیم بکار می‌گیرد.

اقدامات همه جانبه در جهت تماس با عناصر و سازمانهای میهن پرست و دمکراتیک و ضد-امپریالیست به منظور فراهم ساختن زمینه‌های وحدت عمل پیرامون شعارهای مشترک مبارزه و نیز ایجاد جبهه واحد، یکی از وظایفی است که پلنوم هیجدهم در دستور کار حزب قرار داده است. به نظر ما کوشش در این راه راه راست

تاریخی کلیه مبارزان راه استقلال، آزاد یوعدالت اجتماعی ام از ذهیبی و غیر ذهیبی، بدون هیچ تفریق و موارد اختلاف، است. شیوه عمل حزب ما در مورد اتحاد با نیروهای مترقی و انقلابی بر پایه سه اصل زیرین استوار است:

۱. منفرد ساختن عناصر تفرقه افکن "چپ" و راست.
۲. وحدت عمل پیرامون شعارهای مشخص و مشترک.
۳. حرکت هر چه سریعتر به سوی تشکیل جبهه مشترک بر اساس پلاتفورم مشترک و تشکیل ارگان واحد مبارزه.

شرایط عمومی در کشور ما در حال تغییر است و این روند رآینده با شتاب بیشتری ادامه خواهد داشت. سمت اساسی این تغییرات مثبت است و شرایط مساعد برای مقابله با ارتجاع به تد ریح آماده می‌شود. در د رون گروه‌های مختلف مبارز تغییرات محسوسی هم از لحاظ کیفی و هم از نظر کمی در جهت رشد امکانات نزدیکی نیروهای صادق ضد امپریالیستی و ضد ارتجاع حاکم احساس می‌گردد. مبارزان راه استقلال آزادی و عدالت اجتماعی و ملخ بد رستی پی برده اند، که از ادامه تفرقه میان نیروهای ضد امپریالیستی فقط و فقط ضد انقلاب مانند گذشته بهره خواهد برد.

در چنین شرایطی ضرور است که فعالیت اعضا، حزب توده ایران هم در داخل و هم در خارج از کشور، در همه عرصه‌ها در جهت تحقق وحدت عمل نیروهای انقلابی، از لحاظ کمی و کیفی گسترش یابد.

به یاد اعتصاب و شهدای ۲۳ تیر

روز ۲۳ تیر ۱۳۲۵، هشتاد هزار کارگر مناطق نفت خیز خوزستان که در شرایط تسلط بلاساز شرکت فاصب نفت انگلیس و ایران از ابتدائی ترین حقوق خود محروم بودند، دست به اعتصاب همگانی و گسترده‌ای زدند. کارگران عزل استادان مزدور خوزستان، انحلال دستگاه پلیس شرکت نفت، اغراض ترور، کاهش ساعات کار و تعطیلی يك روز در هفته را خواستار بودند. مزدوران انگلیس و عوامل سرسپرده داخلی آنان که از حرکت وسیع و یکپارچه زحمتکشان به هراس افتاده بودند، به کشتار آنان دست زدند. در این جریان ۴۷ نفر از کارگران شهید و ۱۷۰ نفر زخمی شدند.

این جنایت و حشیاانه نتوانست در هم جزیم و اراده استوار کارگران برای احقاق حقوق حقه خود خللی وارد آورد. اعتصاب که در سایه رهبری "شورای متحد مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران" و حزب طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران از نظم و تشکل کاملی برخوردار بود تا دستگیری به اهداف تعیین شده خود ادامه یافت. کارگران و کارکنان نفت در مصاف با استعمارگران انگلیسی و جیره‌خواران داخلی آنها پیروز شدند. شورای متحد مرکزی این کامیابی را به عموم زحمتکشان تبریک گفت.

روز ۲۳ تیر در تاریخ مبارزات طبقه کارگر ایران ارزش و منزلت ویژه‌ای دارد. ۲۳ تیر روز ناپسند رخشان قدرت طبقه کارگر، کارآیی حربه اعتصاب، اثر بخشی وحدت زحمتکشان و صمود و تسلیم دشمنان در برابر صفوف متحد و یکپارچه آنان است. یاد اعتصاب بسزگی و بسا شکوه ۲۳ تیر و شهدای آن گرامی بساد.

بار دیگر سیاست...

بقیه از صفحه ۷

و قشرهای روشنفکری و روحانی مدافعان رژیم ترور و اختناق در وابستگی به امپریالیسم از منافع طبقاتی آنها سرچشمه می‌گرفت.

رژیم شاه اطاعت از امپریالیسم و گراپسش روز افزون به جهان سرمایه داری و قرار دادن کشور در مدار تقسیم کار بین‌المللی سرمایه داری را برای ادامه نظام بهره کشی و در اسارت نگاهداشتن خلقهای میهن ضروری می‌دانست. بنابراین مجموعه سیاست رژیم شاه نقش فعال در وابستگی اقتصادی ایفا می‌کرد. و اما سیاست جد از اقتصاد نیست و شکل تمرکز یافته آنست. لذا سیاست در ارتباط ارگانیک با مناسبات تولیدی و شکل مالکیت بوده و در خدمت آن است. گرایش سران ج ۱۰ به راست چه در گستره سیاست داخلی (احیای رژیم ترور و اختناق) و چه در گستره سیاست خارجی (احیای مواضع امپریالیسم) سرانجام زمینه را برای تحقق مجدد سیاست "ورشکست کن، حکومت کن" آماده می‌سازد.

تاریخ جمهوری اسلامی را چه کسانی می نویسند؟

نه تنها کوچکترین گامی در جهت منافع توده های محروم برداشته اند، بلکه با تمام قوا از کسبان سرمایه داران و بزرگ مالکان دفاع کرده اند. و این نتیجه گیریهای ما مستند و متکی بر اظهارات خود سران ج ۱۰ و از آنجمله روحانیین حاکم است.

قوه قضائیه مسلخ بی پناهان

۶ اسفند ۶۲ آیت الله موسوی اردبیلی در صاحبهای گفت: "قوه قضائیه اگر در رژیم طاغوت شکارگاه زورمندان و صاحبان قدرت و مسلخ بی پناهان و نقطه مطلق برای ارضاء اغراض اقطاعی بود، این قوه در نظام ج ۱۰ پناهگاه مظلومان و حامی مستضعفان و محرومان است." (کیهان ۶۲/۱۲/۷)

آیا این اظهارات با واقعیات موجود مطابقت دارد؟ به اظهارات خود موسوی اردبیلی - مراجعه می کنیم: "انقلاب اسلامی برای این بود که نماز بخوانیم و روزه بگیریم؟ آیا قبلاً نمی خواندیم؟ آیا شعار دادن و مشت گره کردن که این حکومت، حکومت مستضعفان است کافی است؟ ۰۰۰ محرومی خانه ای اجاره کرده، بعد از سه سال صاحبخانه می گوید: قبلاً ۳۰۰ تومان کرایه می دادی حالا کرایه خانه من شده ۴۰۰۰ تومان یا باید خانه را خالی کنی. و از طرفی می بینیم که درآمد آن محروم هیچ فرقی نکرده است، و از سوی دیگر قانون میگوید: خانه باید خالی شود. از این طرف دست ما بسته است و از آن طرف هم محروم می گوید پس حکومت اسلامی این بود که نیروی انتظامی وی را بیرون کند؟" (اطلاعات ۶۳/۳/۱۳)

هر مورخی با مقایسه این دو اظهار نظر سررست شورآب عالی قضائی به این نتیجه منطقی می رسد، که امروز نیز مانند دیروز قوه قضائیه "شکارگاه زورمندان و صاحبان قدرت و مسلخ بی پناهان و نقطه مطلق برای ارضاء اغراض اقطاعی" است. بی سبب نیست که مجید انصاری در جلسه ۳ خرداد مجلس شورای اسلامی خطاب به رئیس مجلس و دیگر همکارانش گفت که در نظام ج ۱۰ "فاصله و شکاف میان طبقات مختلف جامعه از لحاظ اقتصادی و تأمین مایحتاج زندگی، بطور وحشتناک وجود دارد."

بازگشت فاسدان و دزدان

آیت الله صانعی، دادستان کل ج ۱۰ میگوید "آن کسی که بعد از پیروزی انقلاب از کشور فرار کرده و الان با ۵۰ میلیون تومان، ۱۰۰ میلیون تومان، ۲۰۰ میلیون تومان و با ۳۰۰ میلیون تومان ثروت برگشته ۰۰۰ می گوید آن روز من وام گرفتم، وام که درست بوده، فرض که شرمی بوده" است (جمهوری اسلامی، ۶۳/۳/۱۶)

آیا آقای صانعی خود شرایط بازگشت دزدان بیت المال را فراهم نکرده است؟ ۲۲ اردیبهشت ماه سال جاری روزنامه "اطلاعات" اظهارات وی را بدین شرح منتشر ساخت: "نظام ج ۱۰ به

بقیه از صفحه ۱

جان و مال مردم ارج می گذارد و انشاءالله بزودی اصل ۴۹ قانون اساسی اجرا و کار دادگاههای انقلاب نیز شروع خواهد شد و اموال غصب شده به صاحبان اصلی آنها بازگردانده خواهد شد."

در قاموس حکام ج ۱۰ مردم یعنی آنها تیکه با ۲۰۰ میلیون تومان یا ۳۰۰ میلیون تومان برگشته اند تا طبق فرمان ۸ ماده ای، "اموال غصب شده خود را از دست دادستان کل باز پس گیرند." نماینده سابق رودسر در مجلس می گوید: "انقلاب با معیارها و شعارهای خاص در روزهای مخصوص در این خیابانها شکست گرفت، اکنون که پنجسال از استقرار نظام ج ۱۰ گذشته است، این مسئله ذهن نیروهای انقلابی این کشور را می آزارد که ما با چه سیستم اقتصادی در این کشور زندگی می کنیم؟ آیا بر اصالت شعارهای "علیه خان، سرمایه دار، فاسدان و زور گویان که یکی از محرکین انقلاب بود" پامیشتیم، آیدار واقع باید خانها بیرون، فاسدان بیرون، دزدان بیرون، فارتگران بیرون؟ اگر میخواهند برگردند، بنظر من خیلی صادقانه میرسد که به این مردم بگوئیم، اگر حرف زده بودیم، نمی دانستیم" (اطلاعات، ۶۳/۳/۵)

مگر آقای صانعی بعنوان دادستان کل کشور "صادقانه" نمی گوید که خانها و سرمایه داران و فاسدان و دزدان باید برگردند و اموال غصب شده به آنها برگردانده شود؟ بنابراین تکلیف روشن است و تاریخ نیز ثبت خواهد کرد که سران جمهوری اسلامی در مسیر احیای مواضع کسبان سرمایه داران و بزرگ مالکان حرکت می کنند.

کدام نظام اقتصادی؟

و اما پیرامون نظام اقتصادی ج ۱۰ ما بارها خاطر نشان ساختیم، که این نظام جز سرمایه - داری وابسته نبوده و نیست. ما می گوئیم درجهای معاصر و نوع نظام اجتماعی - اقتصادی وجود دارد: سرمایه داری و سوسیالیسم. نظام اقتصادی - اجتماعی سومی وجود خارجی ندارد. حال ببینیم حجت الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی در این باره چه می اندیشد؟ او در پاسخ به سؤال "اطلاعات" دایر بر اینکه "احکام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اسلام را چگونه باید به صحنه آورد که متضمن مقابله با سرمایه داری فرب و قطب کمونیستی شرق باشد" می نویسد: "باید گفت تا مادامی که ما آن هیمة در فکر و اندیشه مان وجود پیدا نکند، چه بفهمیم و چه نفهمیم، در تحت تاثیر ناآگاه این دو قطب قرار داریم، هر چند بخواهیم بگوئیم که نیستیم. بالاخر چون واقعیتش اینست که در برابر این دو نظامی که در کل دنیا وجود دارد، آن نظام سوم و آن راه سومی که ما مطرح می کنیم و در مقابل آن دو قطب قرار دارد، باید حدود و شعورش معین باشد" (اطلاعات، ۶۳/۴/۳)

او با اشاره به گفته ها و نوشته های همکارانش

پیرامون "اقتصاد اسلامی" می گوید آنها "گاهی مطالبی در کتابها عنوان کرده اند و یا در سخن رانیها مطرح ساخته اند" که "سطحی و مبتدیانة است" و "این برای ج ۱۰ فاجعه است."

ما میگوئیم انقلاب کالا نیست و نمی توان آنرا با تشکیل انواع سمینارها، با شرکت افراد مشکوک و اجیر کردنها با خرج میلیاردها ریال به حساب مردم قارت زده، صادر کرد. در این مورد هم ما بی پشتوانه نمی نویسیم. محمد جواد حجتی کرمانی از قول یکی از "برادران متخصص" در صد و انقلاب می نویسد: "۰۰۰ مادر سال میلیون، میلیون به عنوان صد و انقلاب خرج میکنیم و نادرست خرج میکنیم." وی همچنین مسئله "دو تنها بعنوان سمینارهای مختلف بین الطلی را مطرح کرده می گوید، "نسبت به آن پولی که ما خرج میکنیم، راند ما نش کم است و هنوز بها نگفته اند اثر این سمینارهایی که با چند ده میلیون تومان برگزار شده، چقدر بوده است." حجتی کرمانی در ارتباط با "صد و انقلاب" اهزام افراد زیادی با خرج دولت به حج را نیز که کماکان ادامه دارد، مطرح میسازد (همانجا).

وقتی ما مینویسیم، آقایان روحانیین مخالف اصلاحات ارضی و آزادی زنان هستند، واقعیتی را بیان می داریم که مورد تأیید آقای حجتی کرمانی نیز هست. او در پاسخ به سؤال "اطلاعات" پیرامون رد قوانین از جانب شورای نگهبان می گوید: "در مواردی از تاریخ گذشته ما وجود دارد که ما بسیاری از چیزها را خلاف شرع اعلام کردیم و بعد به آن عمل کرده ایم." حجتی کرمانی آشکارا اعتراف میکند، که "شرکت زنان در انتخاب یا مسئله اصلاحات ارضی" در حال حاضر در میان محافل مراجع تقلید و متدینین حرام شرمی است. او میگوید: "بنظر من بسیاری از مسائل هست که سیر تکاملی جامعه آنها را بر ما تحمیل خواهد کرد و حلال خواهند شد" (همانجا).

در اینکه مبارزه مستمر و پیگیر توده های محروم بالاخره به فرمانروایی ارتجاع در حاکمیت پایان داده و به آماجهای انقلاب تحقق خواهد بخشید تردیدی نمیتوان داشت. ولی مورخین در ارزیابی عملکرد رژیم، با استناد به آنچه که بر شمریم، به حق هیچگونه نقشی برای روحانیت مرتجع قائل نخواهند شد. آنها با اتکا به اعتراف صریح حجت الاسلام حجتی کرمانی خواهند نوشت، که سران ج ۱۰ "به مقتضای نقشی که هر یک از افراد در حکومت دارند، چه در قوای ثلاثی، چه در سایر قسمتها يك سری ساختارها از قدیم بوده (پخوان نسرهای سلطنتی) که در آن ساختارها رفته اند زندگی می کنند، از رئیس جمهور گرفته تا مجلس و شورای عالی قضائی، و این يك مسئله است. و در ماسین های آخرین سیستم بنز و مفره که مجهز به دستگاه بیسم و ضد گلوله است رض و آمد می کنند. و بالاخره هر آخوندی که خودش را يك کارمای در شهر میداند، چهار تا پاسدار و يك ماشین ضد گلوله دارد و خانهاش هم محافظ دارد" (همانجا).

اسناد وابستگی (۱)

انحصارهای ژاپنی در ایران

نه غریب "، از تحریف حقایق تاریخی ابا ندارد. بجا آن هسته‌ای ژاپن عمل دد منشانه آمریکا بوده، نه "یکی از اعمال دد منشانه ایرقد رتها " و انگهسی پس از پایان جنگ جهانی دوم، مردم ژاپن نه از سلطه "اهرقد رتها " بیل باز از سیطره امپریالیسم آمریکا رنج می‌بردند. و در هر دو مورد امپریالیسم ژاپن نیز همانند امپریالیسم آمریکا نقش ضد مردمی خود را بازی کرد.

قبل از جنگ جهانی دوم امپریالیسم ژاپن با آلمان نازی عقد مودت بست و این دو با هم جهان را بگام جنگ کشاندند. امروز امپریالیسم ژاپن را ه مشابهی را، این بار هنگام با امپریالیسم آمریکا می‌پیدا. آیا وزیر صنایع سنگین ج ۱۰ اطلاع ندارد که امپریالیسم ژاپن آگاهانه کشور را به پایگاه عظیم نظامی ایالات متحده آمریکا و یا به گفته نخست وزیر کنونی ژاپن به "ناو هواپیما برغرق نشدنی " برای آمریکا مبدل کرده است؟ آیا او نمی‌داند امپریالیسم ژاپن در سرکوب نهضت‌های رهائی بخش ملی دستیار امپریالیسم آمریکا است و برای ادا غارتگری امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، می‌رود تا به ژاندارم خاورد و در تبدیل شود؟

بهبزاد نبوی سپس چنین اظهار نظر می‌کند: "گسترش روابط بین ایران و ژاپن منافع زیاد دیگری دارد. زیرا ایران بزرگترین بازار بالقوه ژاپن در منطقه است چرا که با جمعیت فزاینده ۴۰ میلیونی یکی از پر جمعیت ترین کشورهای خاور میانه است. در عین حال به دلیل ثروت‌های خدا دادی که ایران دارد نظیر کشورهای پر جمعیت منطقه فقیر نیست و قدرت خرید بسیار دارد."

علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه نیز بهنگام دیدار با معاون وزارت امور خارجه ژاپن برای اینکه از همکار خود عقب نماند گفت: "سرزمین ما دارای منابع وسیع انرژی است که مورد نیاز ژاپن می‌باشد و ژاپن از امکانات وسیع اقتصادی و تکنولوژی برخوردار است و این مسئله می‌تواند یکی از پایه‌های اساسی روابط دو کشور باشد" (اطلاعات ۱۱/۸/۶۱).

وزرای متعهد و مکتبی ج ۱۰ از شیوه‌های رایج بین دستفروشان در عرضه کالا بهره می‌گیرند، با این فرق که کالای عرضه شده از جانب انسان، ایران با چهل میلیون ایرانی و منابع زیرزمینی آن است. اینها نه تنها در عمل بلکه در حرف نیز از سران رژیم گذشته تاسی می‌کنند و استدلال شاه را دایر بر اینکه ایران بزرگترین بازار خاور میانه و نزدیک برای امپریالیسم جهانی است، بدون کم و کاست، طوطی وار تکرار می‌کنند. هر دو وی انسان همانند دست نشانندگان شاه، نفت خام و بازار داخلی ایران را بجنسوان لقمه چرب و نرم برای جلب حمایت انحصارهای خارجی پیشکش می‌کنند.

در اسفند ماه سال ۱۳۵۴، طاهر ضیائی رئیس اطاق بازرگانی و صنایع و معاون وقت، در جلسه شورای داد و ستد ایران و آمریکا در تشریح سیاست "آغوش باز" در روابط بازرگانی، خطاب به نمایندگان انحصارهای آمریکا گفت، شما وجود "کارگران ارزان و کاردان و مدیریت دلبسته و پسر-تحرك و مصالح اصلی ارزان قیمت و گنجینه‌ای از منابع طبیعی و مواقع جغرافیائی سود مند ۰۰۰ و قدرت و تحرك نفت" را روی هم بگذارید و حساب کنید (تهران اکونومیست، ۲۳/۱۲/۵۴).

تشابه استدلال حکام سابق و حاضر دلیل بارز همگونی و هسانسی اهداف و نظرات آنها است. دهها سال است ایران عرضه کننده نفت خام

در اسناد پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران گفته می‌شود: "چرخش هیئت حاکمه به راست در زمینه سیاست داخلی و خارجی که به شکل احیا، نظام منحن سرمایه‌داری وابسته، تقویت بنیه مالی بورژوازی تجاری احیا، مواضع اقتصادی و مالی سیاسی امپریالیسم و هسانی و همسوئی هر چه بیشتر با دول امپریالیستی تظاهر می‌کند، جامعه را با بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی روبرو ساخته است."

"نامه مردم" در صدد است در تائید این ارزیابی پلنوم کمیته مرکزی سلسله مقالات پژوهشی منتشر سازد. از این پس به ندرج ما می‌کشیم با استناد بر آثار و فاکت‌های رسمی احیا، مواضع امپریالیسم در ایران را، کسه سران رژیم ج ۱۰ منکر آند، افشا سازیم.

در سالهای آخر فرمانروائی رژیم ضد ملی شاه، همروند با افزایش سریع درآمد نفت، انحصارهای بین‌المللی نیز فعالیت خود را در زمین ما گسترش دادند. صدها انحصار تک‌ملیتی و چند ملیتی با همکاری عمال ایرانی خود، دهها طرح پرهزینه را به اقتصاد غلیل و بیمار ایران تحمیل کردند. پس از پیروزی انقلاب وجود بیش از ۱۴۰ طرح آشکار شد، که قرارداد های اجرائی اکثر آنها بطور عمده با انحصارهای بین‌المللی آمریکا، ژاپن، ایتالیا، آلمان - فدرال، فرانسه، بلژیک، دانمارک، اسپانیا و حتی کره جنوبی به امضاء رسیده بود. در اجرای این طرحها، که عمدتاً محصول مغز غلیل و بلند پروازیهای دیکتاتور بود، دهها انحصار امپریالیستی، در انواع کنسرسیومها برای تحقق استراتژی نواستعمار جمعی گرد هم آمدند. قرارداد پتروشیمی ایران - ژاپن یکی از این طرحها بود.

انحصارهای ژاپن در ایران

یکی از ویژگیهای جمهوری اسلامی، ارتباط نزدیک با انحصارهای ژاپنی بقصد احیا، مواضع آنها در کشور است. سران ج ۱۰ در این مورد هم راهی را ادا میدهند، که رژیم شاه در آن کام گذارد و در صدد بسود ایران را به "ژاپن خاور میانه و نزدیک" تبدیل کند. در آن ایام سخنگویان رژیم انواع افسانه‌ها در باره "خوشاوندی معنوی" ایران و ژاپن سرهمبندی می‌کردند. مقامات ج ۱۰ نیز، برای اثبات "برادری" با امپریالیسم ژاپن به همان شیوه متوسل شده‌اند. آقای رجائی در مقام نخست وزیر در مصاحبه‌ای با روزنامه ژاپنی "آسامی" پس از تذکر نزدیک "فرهنگ مردم" و کشور گفت: "ما می‌توانیم با هم تفاهم داشته باشیم. مهم اینکه ما در رابطه با صنعت در آنچه که در رشد و خود کفائی ما موثر باشد، می‌توانیم با ژاپن رابطه داشته باشیم ۰۰۰ فکر می‌کنم ما می‌توانیم از صنعت ژاپن استفاده کنیم" (جمهوری اسلامی، ۶۰/۲/۱۵).

آقای بهزاد نبوی در دیدار با هیئت اقتصادی ژاپن موارد دیگر "تفاهم" با امپریالیسم ژاپن را مطرح ساخت: "یکی از دلایلی که ما علاقمندیم با کشور و ملت شما روابط گسترده‌ای داشته باشیم، این است که احساس می‌کنیم کشور شما هم مثل ما از سلطه ایرقد رتها رنج برده و بجا آن شهرهای شما توسط آمریکا یکی از اعمال دد منشانه ایرقد رتها است و ما در ایمن موارد با شما نقاط مشترک زیاد داریم" (اطلاعات ۱۰/۸/۶۱).

اظهارات بهزاد نبوی بازتاب سقوط اخلاقی مسئولین عالیرتبه در نظام ج ۱۰ است. وی برای استتار سیاست گرایش‌سوی امپریالیسم، زیر پوشش "نه شرقی

تلفیق هشیارانه کار مخفی و علنی در شرایط کنونی
یک وظیفه انقلابی است!

اسناد وابستگی (۱)

بقیه از صفحه ۴
و وارد کننده مواد اولیه، نیم ساخته، کالاهای یاد وام و بی دوام، محصولات کشاورزی و بالاخره ماشین آلات است. دهها سال است، انحصارهای امپریالیستی در هر دو عرصه بازرگانی و روابط فنی به بهره کشی از منابع انسانی و زیرزمینی میهن ما ادامه می دهند. اینکه منابع نفت را رژیم شاه به حراج می گذاشت و یا ج ۱۰ به حراج می گذارد، در ماهیت بهره کشی امپریالیستی تغییری نمی دهد.

احیای وابستگی

اوایل مرداد ماه ۶۲ سفیر ژاپن که ما موریتی در ایران به پایان رسیده بود با وزیر بازرگانی وقت ج ۱۰ دیدار و گفتگو کرد. وزیر بازرگانی با مروری بر روابط تجاری بین ژاپن و ایران در گذشته اظهار امیدواری کرد که این روابط نه تنها در زمینه تبادل کالا بلکه در زمینه تکنولوژی نیز گسترش یابد. وی همچنین گفت: "ژاپن یک کشور آسیایی است که مناسبات دیرینه با ایران دارد و حتما در شرایط کنونی مواضع حق ایران را در تمام جوانب درک خواهد کرد." اما آنچه در گذشته و حال برای انحصارهای ژاپنی مطرح بوده و هست مواضع ایران نیست، بلکه مصالح خود آنها، یعنی تبدیل ایران به بازار فروش کالا است. به همین سبب سفیر ژاپن اظهار داشت، در طول ما موریت خود در ایران سعی در گسترش روابط بین دو کشور داشته و اکنون که ایران را ترک می گوید "روابط ایران و ژاپن را در حد مطلوب و مناسبی" می بیند (کیهان، ۶۲/۵/۲۴).

سفیر ژاپن حق داشت. انحصارهای ژاپنی توانسته بودند در مدت ما موریت او، مواضع خود را در اقتصاد ملی ما مستحکم سازند. هم اکنون انحصارهای ژاپنی یکی از بزرگترین صادرکنندگان کالا به ایران اند. سهم ژاپن در کل واردات ایران از ۱۵ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۲۵ درصد در سال ۱۳۶۱ افزایش یافت و این مسئله در تاریخ مناسبات خارجی ایران بی سابقه است (اطلاعات، ۶۱/۳/۷۴).

۲۹ ژوئیه ۱۹۸۳ "واشنگتن پست"، در ارتباط با مسافرت وزیر خارجه ژاپن به ایران نوشت، که کمپانی های ژاپنی موفق به توسعه بازارهای خود در ایران شده اند. آنها اتوبیل های سواری، کامیون، فولاد، پارچه و غیره به ایران صادر می کنند و توانسته اند - در ارتباط با امور بازرگانی - مسائل و تجهیزات را که در عین حال مصرف جنگی هم دارد، به ایران بفروشند. میزان صادرات ژاپن به ایران در ۶ ماهه اول سال ۸۳ از مزیک میلیارد دلار (در ۶ ماهه سال ۶۲ حدود ۹۵۰ میلیون دلار بود) تجاوز کرد.

انحصارهای ژاپنی موفق شدند سهام خود را در موسسات صنعتی و از جمله در بزرگترین آنها - مجتمع پتروشیمی مختلط ایران و ژاپن - حفظ کنند. افزون بر این، آنها قرارداد های جدیدی نیز به سران ج ۱۰ تحمیل کردند و بدینسان پایگاه اقتصادی خود را در ایران بیش از پیش تحکیم بخشیدند.

در فروردین ماه ۶۳ مذاکره پیرامون یکی از طرحهای سرمایه بر به ارث رسیده از رژیم گذشته - طرح ساختن مترو در تهران - با کمپانی ژاپنی "کوماگی" آغاز شد. در همان ماه انحصارهای ژاپنی قرارداد فروش توربین، ژنراتور، ابزار دقیق و سیستم کنترل نیروگاه "شهید رجایی" را با مقامات ایرانی امضا کردند. این نیروگاه ۲۰۰۰ مگاواتی در نزدیکی شهر قزوین با شرکت کارگران و مهندسان ژاپنی احداث خواهد شد. "آبه" وزیر امور خارجه ژاپن بهنگام دیدار با ولایتی در تهران گفت: "ایران و ژاپن دو کشور آسیایی هستند و ما خواهان گسترش هر چه بیشتر روابط بین دو کشور در زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می باشیم و به همین منظور

ژاپن در آینده در بازسازی اقتصادی کشور ایران همچنین در زمینهای برناههای پنجساله عمرانی با ایران همکاری وسیعی خواهد داشت (اطلاعات، ۶۲/۵/۱۸). جالب است که وزیر امور خارجه ژاپن در مدت اقامتش در تهران، عمدتاً مسائل تجاری و اقتصادی و صنعتی را مطرح ساخت و به گفته ولایتی "در زمینه های کشاورزی، اصلاح کشت برنج، کانال کشی، آبیاری اطراف مسدها، پروژه فاضلاب شهرها، تولید و انتقال انرژی، تأسیسات و توسعه صنایع الکترونیک و سنگین، صنعت شیلات، تکثیر و پرورش ماهی و میگو و توسعه ماهیگیری، همکاری شریکشی خواهیم داشت" (همانجا).

به بیان دیگر حیطه عملکرد انحصارهای ژاپنی شامل کلیه رشته های اساسی اقتصاد ملی خواهد شد. بی سبب نیست که خیل کارشناسان ژاپنی به ایران سرازیر می شود و هر روز در روزنامه های کشور آگهی هایی به مضمون زیر میتوان دید: "ژاپنی ها به آپارتمان و ویلای بله نیازمندند." (اطلاعات، ۶۲/۴/۱۴) و یا "یک شرکت بزرگ تجاری ژاپنی به محل کار با مشخصات زیر نیازمند است." (کیهان، ۶۲/۵/۳۰).

در خرداد ماه ۶۲ کاظم پور اردبیلی معاون امور اقتصادی و بین المللی وزارت امور خارجه ج ۱۰ قبل از عزیمت به ژاپن، در کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی گفت: "ژاپن از امکانات الکترونیکی، صنعتی، فنی و تکنیکی پیشرفته ای برخوردار است و ج ۱۰ مایل است نیازمندیهای خود را از محل این امکانات از بهترین کیفیت ها و با بهترین و نازلترین قیمت ها تأمین کند" (اطلاعات، ۶۲/۳/۲۴).

کدام عقل سلیم می تواند قبول کند، که انحصارهای بین المللی حاضر شوند، بهترین کالاها را با ارزانه ترین قیمت ها در اختیار ج ۱۰ بگذارند. ما نمی دانیم معاون امور اقتصادی و بین المللی وزارت امور خارجه ج ۱۰ قبل از انقلاب چه ستمی داشت، ولی اظهارات وی گفته های منوچهر اقبال را در "کنفرانس بین المللی بررسی پیرامون انتخاب تکنولوژی"، در شهریور ماه ۱۳۵۵ به خاطر می آورد. او هم طرفدار استفاده از امکانات فنی و تکنولوژی جهان غرب و از آنجمله ژاپن بود (مراجعه شود به کیهان، ۱۳۵۵/۶/۲۹).

وجه مشترک سردمداران رژیم گذشته و حال در آنست که فرق میان تکنولوژی و تکنیک را درک نکرده اند. اگر تکنولوژی راه معنای پژوهش، اطلاعات، اختراعات، دانش طراحی، مهندسی ساخت ماشین آلات و غیره بدانیم، در آنصورت فرق آن را با تکنیک به معنای ماشین آلات و تجهیزات میتوان فهمید.

تجربه کشور ما و اکثر کشورهای رشد یافته حاکی است که انحصارهای خارجی هیچگاه اسرار تکنولوژی پیشرفته خود را در اختیار کشورهای رشد یافته نمی گذارند. وانگهی این ژاپن و دیگر کشورها نیستند که باید در انتخاب تکنولوژی بومی شرکت جویند، بلکه این وظیفه اندیشمندان و پژوهشگران خود ما است.

مسئولین امور در ج ۱۰ روند تولید را فقط در وجود سرمایه و ماشین آلات مدرن خلاصه می کنند و برای عوامل مهم دیگر موثر در تولید، مانند مهارت و بینش و بضاعت علمی و فنی فرد شاغل، ارزشی قائل نیستند. حال آنکه در انتخاب شریک شریکترین ترکیب تکنیک و تکنولوژی و ادامه کاری در روند تولید و توسعه این یا آن رشته صنعتی در نظر گرفتن تقاضای کمی و کیفی نیروی کار ما هر و کادری مهندسی و فنی از ضروریات اولیه بشمار می رود. سران ج ۱۰ نیز سعی دارند مانند گذشته کمبودها و نارسائی های اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه را از طریق استخدام ریز افزون کارشناسان و تکنیسین های خارجی جبران کنند، که خود امریست ناممکن. این عمل نه تنها کمکی به رفع کمبودها و نارسائی ها نمی کند بلکه چنانچه در گذشته دیدیم، وابستگی فنی و تکنولوژی صنایع و مآلات اقتصاد ملی را به جهان سرمایه داری ژرفتر خواهد کرد.

ادامه دارد

مردم آزادیخواه ایران! برای نجات جان زنده بگوران سلول های زندان اوین و دیگر زندانها، صدای اعتراض خود را بلند کنید!

تاریخ جمهوری ...

زندان و تعزیر

بقیه از صفحه ۳

حجت الاسلام فلاحیان قائم مقام سرپرست کمیته‌های ضد انقلاب می‌گوید: "در طرح پایگامی و ناحیه بندی کمیته این است که حد اقل در یک مجموعه صد هزار نفری، که ۲۰ هزار خانواده و مغازه در آن است، بالاخره مسجدی وجود دارد که باید به امام جماعت آن مسجد و افسراد حزب اللهی و فهیجه آن محل گفته شود که روی آدمهای بی تفاوت و ضد انقلاب کار کنید. بر فرض اگر پدران یا مادران بد هستند فرزند خانواده که خوب است، ۰۰۰" (کیهان، ۱۳/۲/۶۱)

وقتی تاریخ نویس این فرمان و دیگر فراضین مشابه را میخواند، بی اختیار فاشیستهای هیتلری در خاطره‌اش زنده می‌شود و به یاد آجوفروشهای مونیخ و اس‌اس‌های می‌افتد، که محله‌ها را درست مانند آنچه فلاحیان می‌گوید، ناحیه بندی کرده بودند و فرزندان را علیه پدران و مادران به جاسوسی وادار می‌کردند.

وحشتناکتر از همه اعترافات یکی دیگر از مئادیان اسلام - حجت الاسلام نیری حاکم شرع زندان این است. او در گفتگویی با "کیهان" (۲۱ خرداد ۶۳) پیرامون انباشته شدن زندان‌ها از زندانیان سیاسی و "مشکلات جا" گفت، این وضع برای آن پیش آمده که "قبل از انقلاب و در اوایل پیروزی انقلاب فکر نمی‌کردند که اصلاً اینقدر نیاز به زندان داشته باشیم... وی سپس نیروهای انقلابی را مورد حمله قرار داد و با تاکید بر ضرورت روانه کردن آنها به سیاهچال‌ها، اعتراف میکند که "فرزندان زندانیان" هم در فراموشخانه‌های رژیم نگهداری میشوند. حاکم شرع زندان این، بدون اینکه خم بر آبرو آرد می‌گوید: "چون اساس زندان در اسلام برای تربیت فرد مجرم و خاطی است بطوریکه وقتی یک نفر جرمی مرتکب می‌شود، دادگاه برای مجازات مجرم به عنوان مثال ۴ سال زندان در نظر می‌گیرد. هدف از این محکومیت این است که شخص جزین فردی در عرض این چهار سال ساخته شده و تعزیر شود."

چهار سال زندان و تعزیر! نام این جنایت را تربیت زندانی نامیدن واقعاً هم گستاخی می‌خواهد. اگر اعدای گروهی آشکار و قتل‌های زیر شکنجه پنهان و کشتار کودکان و جوانان در کشتارگاههایی بنام جبهه جنگ را نیز بر سر آنچه گفته شد بیافزاییم، محتوی کارنامه سیاه "منادیان اسلام، یعنی روحانیت" بیشتر عیان خواهد شد. کدام مورخ با وجدان می‌تواند به هنگام نوشتن تاریخ ج ۱۰۱ اینهمه جنایات را نادیده گیرد؟

آقای هاشمی رفسنجانی! چنانکه ملاحظه می‌کنید، تاریخ "منادیان اسلام، یعنی روحانیت" را مورخین واقع بین بر اساس اعترافات شما و امثال شما در حاکمیت می‌نویسند.

اقلیت‌های مذهبی زیر منگنه فشار حاکمیت

های مذهبی مثل اکثریت نزدیک به تمام مردم حق و حقوقشان محفوظ است و اصول و عقایدشان و راهشان و زندگی و شخصیتشان تحت حمایت است. (جمهوری اسلامی - ۲۶ خرداد ۱۳۶۳)

دلیل روشن طرح این مسئله این است که زمین نفی آن وجود دارد، یعنی اینکه می‌تواند حق و حقوق اقلیتها "محفوظ" نباشد و عقاید و زندگی و شخصیتشان "تحت حمایت" قرار نگیرد. همین طور هم هست. پس از بیان این مقدمه است که تعرض به اقلیتها شروع می‌شود که "نسبت به افرادشان ۰۰۰ از ما (یعنی حاکمیت ج ۰۱۰) بیشتر وکیل در مجلس دارند ۰۰۰" و "گاهی یک قدری هوایشان بر میدارد و زیاده روی هم می‌خواهند بکنند" و "توقعشان را هم توی ایسن مملکت از حد معمول بالاتر برده‌اند و باز هم بطور خشن با آنها برخورد نشده است."

حال ببینیم که گناه نابخشودنی اقلیت‌ها چیست و این "زیاده رویها" در چه زمینه‌ایست؟ آقای رفسنجانی می‌گوید: "الان آرامنه دارند اذیت می‌کنند و بچه هایشان توی مدرسه یا امتحان نمی‌دهند یا ۰۰۰ حرف ناصحیح می‌گویند که ما می‌خواهیم مثلاً" تعلیمات دینی مان به زبان خود مان باشد. آقای رئیس مجلس به این خواست برحق آرامنه شکل غیرقانونی می‌دهد و می‌گوید: "قانون اساسی گفته هیچ درس رسمی به زبان خودش نمی‌تواند باشد." در حقیقت این خود ایشان است، که بنا به موقعیت دارد قانون را غلط تفسیر می‌کند و آرامنه از حق قانونی خود دفاع می‌کنند. اصل پانزدهم قانون اساسی می‌گوید: "زبان و خط رسمی مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتسب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدوین اسناد بیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است."

نیازی به تفسیر و توضیح نیست. این اصل خود گویای حقی است که قانون اساسی برای دارندگان "زبانهای محلی و قومی" قائل شده است. موضوع اصلی، بهانه گیری از اقلیت‌های مذهبی است و از میان آنها فعلاً "قره به نام آرامنه" اصابت کرده است. آقای رفسنجانی برای ایجاد شکاف در صفوف خلق مردم را فریب می‌دهد و با تحریف قانون اساسی و تفسیر برداشت دلخواه از آن به اصطلاح "امت حزب الله" را تحریک می‌کند که اقلیت‌های مذهبی را زیر فشار قرار دهند.

می‌گویند گرگی در یخبندان برای بهانه جوئی از بره ای و خوردن آن بانگ زد که "چرا گسرد و خاک می‌کنی؟" بره پاسخ داد: "اگر می‌خواهی مرا بخوری، بخور! ولی این بهانه جوئی‌ها را بگذار کنار. روی یخ که نشیود گرد و خاک کرد ۰۰۰"

پس از یورش به حزب توده ایران و انباشته شدن زندانها از کمونیستها و سایر نیروهای مترقی پیشرو، از جمله موج فشار بر اقلیت‌های مذهبی رو به گسترش است و درگیری با کلیعیان، زرتشتیان و مسیحیان ۰۰۰ با انواع و اقسام بهانه جوئی‌ها تشدید می‌شود.

حاکمیت ج ۰۱۰ بنا به سرشت ارتجاعی و بینشهای تنگ نظرانه، عملاً نمی‌تواند دارندگان عقاید مختلف و از جمله مذاهب دیگر را تحمل کند، و با زیر پا نهادن حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی تلاش دارد که عقب افتاده ترین و خرافه آمیزترین پندارها و عاداتها را میان اقلیت‌های مذهبی رسوخ دهد.

ایضا معتقدان مذاهب گوناگون و اعمال فشار به آنان که از دیر باز در کشور، به اشکال مختلف مرسوم بوده همواره منشاء سیاسی داشته و غرض از آن ایجاد اختلافهای قومی - مذهبی، رخنه در صفوف متحد مردم و به راه انداختن مداوم جنگهای "حسینی" و "حسینی" بوده و کماکان نیز چنین است.

امروزه خود کامگان واپس نگر می‌کوشند با نیش قبر اختلافات قرون وسطائی مذهبی - قومی و ایجاد تشنجهای اینچنینی افکار عمومی را از توجه به مسائل بنیادی بر محور آزادی و عدالت اجتماعی منحرف و به مسائل کاذب ساخته و پرداخته امپریالیسم و ارتجاع داخلی جلب کنند. حکام ج ۰۱۰ علاوه بر تبلیغات "باب میل" در مجامع اقلیت‌ها و وارد آوردن انواع و اقسام اتهامات و افتراءات شرم آور و غیر انسانی، پیوسته برای تحمیل "عرف اجتماعی" مورد نظر خود آداب و رسوم و سنت‌ها و مقدسات آنها را مورد هجوم قرار می‌دهند. زنبهای مسیحی ناگزیرند که "حجاب اسلامی" را رعایت کنند، در غیر این صورت بایستی منتظر توسری باشند. کارکنان ادارات و سازمانهای دولتی از میان اقلیت‌های مذهبی به بهانه های مختلف پاکسازی می‌شوند. مدارس مختلط بسته می‌شود و حجتیه‌های حاکم بر آموزش و پرورش از سوئی می‌کوشند با جداسازی فیزیکی دختران و پسران در محیط آموزشی با اصطلاح موازین "شرعی" را در بین پیروان مسیح پیاده کنند و از دیگر سو با تحمیل مستقیم غیر مستقیم فرهنگ و آداب دلخواه خود آنها را به راه "راست" هدایت کنند.

سازمانهای "سیا" ساخته و فاشیستی صهیونیستها و دانشکده ها با کمک کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان به فعالیتهای ضد مردمی خود ادامه می‌دهند و به عنوان دستیاران جنسایت بکار گرفته می‌شوند، اما احزاب و سازمانهای انقلابی مترقی یعنی مدافعین واقعی حقوق مردم و از جمله اقلیت‌های مذهبی سرکوب می‌شوند. در چنین جوی است که هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ۲۵ خرداد ادعا میکند که "اقلیت-

بار دیگر سیاست

روستاها و کمک به روستائیان تهدید ست سد کند • تاکنون "جهاد سازندگی" صد ها میلیارد ریال از خزانه دولت برای عمران روستاها دریافت کرده، که هیچ ارگان دولتی از نحوه خرج آنها اطلاعی ندارد • زیرا بودجه این بنیاد خارج از محاسبات عمومی بود •

نتیجه عملکرد د و وزارتخانه در رشته تولید کشاورزی، تشدید وابستگی به بازار جهان سرمایه داری و تسریع بیسابقه مهاجرت روستائیان از هستی ساقط شده به شهرهاست • پیش بینی چنین وضعی از همان آغاز امکان پذیر بود •

در عصر انقلاب علمی و فنی، کشاورزی بیش از پیش به صنعت وابسته است • افزایش بهره وری کار در کشاورزی، که یگانه راه دسترسی به خودکفائی است، تنها با استفاده از ماشین آلات پیشرفته کشاورزی، کود شیمیائی و سموم گیاهی و غیره امکان پذیر است • در صورت فقدان صنایع سنگین یعنی صنایع تولید وسائل تولید کشور، اینگونه ماشین آلات و ابزارها و قطعات و یدکی آنها باید از خارج تأمین شود • بنابراین حتی در صورت حسن نیت هواداران تزاولیت کشاورزی، در شرایط مشخص کنونی وابستگی صنعتی، تأمین خودکفائی در زمینه محصولات کشاورزی امکان پذیر نیست •

اما تکیه بر ایجاد صنایع سبک و کوچک برای دستیابی به خودکفائی صنعتی از طریق ساخت قطعات یدکی بیشتر به طنز می ماند تا یک موضوع جدی • متأسفانه وزارت صنایع سنگین کشور سرگرم اینگونه فعالیتهاست • بنا بر گزارش وزیر صنایع سنگین، طی دو سال گذشته این وزارت اقدام به وارد کردن بیش از ۱۲ هزار ماشین ابزار کرده و حدود ۴۵۰ کارگاه جدید صنعتی در روستاها دایر کرده است (کیهان، ۱۳/۸/۶۳) •

چندی پیش مهندس هاشمی وزیر صنایع سبک گفت: "با وجود مشکلات پیشمار در سال گذشته و کمبود مواد اولیه"، طی دو سال گذشته بیش از ۶ هزار موافقت اصولی از طرف وزارتخانه برای بخش خصوصی صادر شده است (کیهان، ۱۵/۱/۶۳) • این موسسات با اصطلاح صنعتی، کارگاههای کوچکی هستند، که در صورت آغاز بهره برداری وابستگی کشور را براتب تشدید خواهند کرد • در رشته صنایع سنگین نیز وضع چنین است • وزارت صنایع سنگین، که قاعدتاً می بایست در جهت ایجاد صنایع مادر فعالیت کند، برنامه خود را به احداث کارگاههای کوچک در بخش خصوصی محدود کرده است • مثلاً، تعداد موافقت اصولی صادر شده از طرف وزارت صنایع سنگین در سال ۶۲ به ۱۹۴۲ فقره رسید، که اگر پروژهها به مرحله تولید برسد، میانگین تعداد کارگران شاغل در هر یک از آنها از ۶ نفر تجاوز نخواهد کرد (اطلاعات

بقیه از صفحه ۱

گفتهای تازه نفس

بقیه از صفحه ۱

بسنده نکرده و در پیشبرد نظرات خویش و پیاده کردن احکام اخلاقی قرون وسطایی، با بی پروائی حریم زندگی خصوصی مردم را نیز نقض می کنند • سران ج ۱۰ از مردم می طلبند که مطابق میل و پسند آنها ببندیشند و رفتار کنند و گرنه مرکب "گناه" شده و "مسد فی الارض" شناخته خواهند شد •

آقای ناطق نوری مبارزه با "بی حجابی" را از وظایف مهم "گفتهای مبارزه با منکرات" بحساب می آورد • چنین طرز تفکری که تنها "حجاب" را نشان غفت و پاکدانی زن می پندارد بدترین توهین و تحقیر در حق زنان است • نحوه نگرش و طرز برخورد حکام ج ۱۰ به زن قرن بیستم که در کار تخفیر و دگرگونی جهان تولید انبوه نعمات مادی و آفرینش های شگرف علمی و هنری و ادبی است به غایت عقب مانده و ارتجاعی است • این آقایان مقام ولای زن بعنوان یک انسان را به آن درجه پایین می آورند که وی را بمثابة یک وسیله و یک موجود بی زبان و مطیع محسوب می دارند • موجودی که باید در حصار تنگ آشپزخانه و خانه محبوس شده و از حقوق استقلال را می و نظر محروم باشد •

تصور و درک سردمداران رژیم از تفرقه و تعالی شخصیت انسان از نظریات ارتجاعی و فسیل شده ریشه می گیرد • سران رژیم بجسای اینکه زمینه های مادی و معنوی لازم برای ارتقاء شخصیت انسان را فراهم سازند با مادت به اعمال غیر انسانی راه را بر تکامل واقعیتی او سدود می کنند • این چنین برخورد و عطف بر بررمنشان را بایز در روند مسخ شخصیت انسانها ارزیابی کرد •

آقای ناطق نوری به رسالت و فعالیت گفتهای مبارزه با منکرات" در "مبارزه با بی حجابی و عدم توجه به موازین شرعی و اسلامی" رنگ و جلای ضد امپریالیستی نیز می دهد • این گونه استدلال سفسطهای پیش نیست • احیا سنسن ارتجاعی قرون وسطایی به عنوان موازین اخلاقی جامعه، پیگرد و دستگیری و اعدام انسانها، نه تنها قربانی با مبارزه ضد امپریالیستی ندارد بلکه عامل وسیله مهمی در اعمال فشار به مسردم و محدود ساختن آزادی آنها است که امپریالیسم منشاء اصلی آن است •

حکام ج ۱۰، ایران را مهد آزادی دنیا اعلام می کنند و مدام در بوق های تبلیغاتی خود می دهند، که "ایران آزاد ترین کشور دنیاست" • اما واقعیت درست برعکس است • در کشوری که افراد جامعه قادر به آزاداندیشیدن و آزاد زیستن نیستند و در کوچه و خیابان و محل کار سایه نهاد های تفتیش عقاید و گفتهای ترس و خفقان و تعقیب و سرکوب لحظه ای آنها را رها نمی کنند، از کدام آزادی می شود سخن گفت؟ بر خلاف ادعای حاکمیت، در همین مانه تنها نشانی از آزادی نیست بلکه روز بروز خفقان و استبداد گسترش می یابد •

۶۳/۳/۱۶) • بکینسان وزارت صنایع سنگین نیز که وظیفه اش تأمین خودکفائی صنعتی است، در جهت تشدید وابستگی و ورشکستگی اقتصادی گام بر میدارد •

درجه رشد اقتصادی هر کشوری از طریق ترکیب صنایع تعیین میشود، زیرا در آخرین تحلیل این ساختار صنعتی اقتصاد ملی است، که میتواند رشد اقتصادی موزون و دراز مدت و مداوم، یعنی دستیابی به خودکفائی هم در زمینه صنعتی و هم در عرصه کشاورزی را تأمین کند • و این امر فقط از طریق پایه گذاری صنایع سنگین و بهبود شاخص های کیفی اقتصاد و پیش از همه، بهبود کیفی نیروی کار و درجه سازماندهی تولید انبوه امکان پذیر است • صنایع سنگین صنایعی هستند، که وسائل تولید هر جامعه را تولید میکنند • هدف استراتژی نواستعماری امپریالیسم آمریکا، که توسط انحصارهای بین المللی بر پایه سیاست "ورشکست کن، حکومت کن" در کشور ما پیاده شد، بطور عمده عبارت بود از: جلوگیری از ایجاد صنایع سنگین بنیادی و مآلاً "معانعت از کسب استقلال اقتصادی، حفظ ایران به عنوان کشور تولیدکننده مواد خام صنایع جهان سرمایه داری و بازار فروش کالا • وضع اسف بار صنایع ایران به هنگام پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ نتیجه مستقیم این سیاست نواستعماری بود • برای این نیز نوسازی اجتماعی - اقتصادی بر اساس ایجاد صنایع سنگین و تأمین استقلال اقتصادی، محتوی استراتژی نیروهای انقلابی مترقی در جریان نهضت انقلابی بود و حزب توده ایران بارها خاطر نشان ساخت، که چنین نوسازی می باید بلافاصله پس از کسب حاکمیت سیاسی آغاز و عملی گردد • ولی ارتجاع حاکم، که به انقلاب خیانت کرد، احیاء سرمایه داری وابسته را هدف قرار داده و رشد اقتصاد ملی را در جهت وابستگی همه جانبه به جهان سرمایه داری پیش میبرد • بدین ترتیب، سیاست ضد ملی شاه ادامه یافته و با تبعیت از امپریالیسم، کشور با هرج و مرج و ورشکستگی اقتصادی مواجه شده است •

سیاست امپریالیسم آمریکا در میهن، همیشه بر پایه "ورشکست کن، حکومت کن" استوار بوده است • افسانه ساخته و پرداخته واشنگتن درباره "خطر کمونیسم" پرده ساتری است برای تحقیق بخشیدن به این سیاست • شاه و اعوان و انصارش نیز، برای پوشش خیانت خود به صالح ملی و تکه داشتن کشور در جنبه اسارت امپریالیسم از این حربه استفاده می کردند • بدیهی است، که تمایل شاه و کلان سرمایه داران و بازرگانان و سرمایه داران صنعتی و مالی و سفته بازان و ملاکین بزرگ

بقیه در صفحه ۲

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی است!

خبرنگار نامه مردم در میان مردم

آه، باران! باران!

وضع محصولات کشاورزی و دامپروری در بخشهای خواف، تایباد، تربتجام و با لایح نواحی شمالی خراسان بخاطر عدم بارندگی به موقع بسیار اسفناک است. همه فشار روی دولت و شدت امداداران جز کشاورزان دیده کار است. دولت از کمک به این اقشار ظفره میبرد. بانک کشاورزی که رژیم این همه تبلیغات در مورد کمک به کشاورزان در اطراف آن به راه انداخته، وامهای کلان را در اختیار امداداران بزرگ و بزرگ مالکان و صاحبان چاه در منطقه قرار میدهد، زیرا واگذاری وام به امکانات متقاضی بستگی دارد و این قشر، گاه تا چند میلیون وام میگیرند. کشاورزان و امداداران خرد، با پس از گذشتن از هزار خان حاکمیت تا ۱۰ هزار تومان میتوانند وام بگیرند. امداداران جز که اکثریت مردم منطقه را تشکیل میدهند در سالهای خوب و سرسبز برهه‌های ماده را به هیچ قیمتی نمی‌فروختند ولی اکنون چون نمیتوانند خوراک دام تهیه کنند و امکان مرگ و میر گوسفندها خیلی زیاد است، همان

برهه‌ها را به قیمت خیلی ارزان می‌فروشد و این به زیان آنهاست.

علفهای "الحادی"!

در سابق سال خشک که می‌آید امداداران خواف و نواحی اطراف آن که بسیار بد آب و هوا است، گوسفندهای خود را به نواحی سرخس می‌بردند و اگر در آنجا امکانات نبود با توافق مقامات مرزی ایران و اتحاد شوروی که مناطق بسیار سرسبزی دارد به آنجا کوچ میکردند. امسال نیز تعدادی از این امداداران به خواف نمایندگی بقیه، به وسیله مقامات مرزی توافق کردند که هر گله فقط با دو چوپان به داخل خاک اتحاد شوروی برود و بقیه امکانات از قبیل سگ گله و وسائل مورد نیاز را مقامات شوروی برای هد تلامذ در اختیارشان بگذارند تا تغذیه نمایند و هنگام بازگشت از هر ۲۰ رأس گوسفند یک رأس آن را به عنوان علف جز بپردازند. امداداران از این نرخ بسیار ناچیز و بسیار بسیار عادلانه خوشحال شدند زیرا این مقدار در مقایسه با بهای مراتع خوانین و چاداران هیچ است. متأسفانه هنگام کسب تکلیف نهائی از طرف مقامات مرزی ایران دولت مخالفت کرده و اظهار داشت آنجا مملکت کفر و الحاد است.

در پی این مبارزه با "کفر و الحاد" امروز شاهد حرکت زنجیروار کامیونهای حامل گوسفندان لاسر و از بین رفته هستیم که صاحبانشان با دستهای لرزان و چهره‌های ماتزده به قیمت هیچ می‌فروشدند. اما این مسئله تا شهری در قیمت گوشت نگذاشته است.

سارق مورد اعتماد!

یکی از مسئولین بسیج تایباد که همیشه با حمل دو هفت تیر به رویاهای وسترنی‌اش جاه عمل می‌پوشاند و در مبارزه با نیروهای ترقی خواه و مدافعه از زمینداران و کلان سرمایه‌داران قاچاقچیان افغانی بد طولایی دارد "برادر صد صدی" در بسیج کاریز تایباد است. اگر به شهرهای تربت جام سری بزنید و به تابلو حکمهای دزدان سابقه دار نظری بیفکنید موبرنتان راست میشود و به خیال اینکه خواب می‌بینید چشمبایتان را می‌مالید. ولی وقتی از یکی از پاسبانها هويت فرد مورد نظر را جویا شوید یقین میکنید که اشتباه نکرده‌اید و ایشان همان "برادر صد صدی" است. اکثر مسئولین کمیته‌های این مناطق از این تیب اشخاص و قاچاقچی‌های سابقه دار هستند. وقتی چگونگی امر را از مسئولین جویا می‌شوید میگویند شرایط اینطور ایجاب میکند.

کنفرانس ملی کمونیستهای شیلی:

جبهه متحد خلق کلید پیروزی است!

چندی پیش حزب کمونیست شیلی، که در شرایط دشوار زیرزمینی می‌زیست، نخستین کنفرانس ملی خود را پس از استقرار دیکتاتوری برقرار کرد. در بیانیه کنفرانس آمده است: "کنفرانس ملی پارادایم سیاست بسیج خلق را تأیید و اهمیت نقش حزب و سازمان جوانان کمونیست را در ریکار برای واژگونسازی فاشیسم و اتحاد همه نیروهای اجتماعی و سیاسی در راه دموکراسی تصریح کرد. کنفرانس بویژه برگزینش شیوه‌های گوناگون مبارزه برای تدارک قیام خلق و سرنگونی رژیم دیکتاتوری تأکید ویژه ورزید." "کنفرانس ملی حزب کمونیست شیلی بر ضرورت ادامه کوشش برای دستیابی به وحدت سندیکایی بر پایه اصل تفاهم و رعایت حقوق همه جریانهای سیاسی و شرکت فعال آنها در نهاد های رهبری تأکید کرد. کمیته مرکزی ما موریت یافت، تا گامهای مشخصی در راه شکل و تشدید مبارزه دهقانان بردارد." "کنفرانس بر نقش تاریخی اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی برای حفظ صلح جهانی تأکید ورزید و پشتیبانی کامل و برادرانه خود را از مردم و دولت نیکا را گوته اعلام داشت." "نمایندگان کنفرانس، مینگذاری بند رهای نیکرا گوته و دسیسه‌های آمریکا را علیه این کشور، تجاوز آشکار و مغایر با موازین حقوق بین‌المللی و خطری برای ریکار دموکراتیک و استقلال طلبانه همسایه خلق‌های قاره آمریکا خواندند."

جنبش اعصابی کوشید "دیکتاتوری را میتوان و باید هرچه زودتر سرنگون ساخت." "پسایان فاشیسم نه سرانجام یک نبرد است و نه کار یک گروه مخالف، بلکه شمره پیکارهای کوچک و بزرگ همه مردم شیلی."

در پایان بیانیه کنفرانس ملی، آمده است: "کنفرانس ملی همه اعضای (حزب) را فرا می‌خواند، تا همواره در راه تقویت حزب پرافتخار ما و سازمان جوانان حزب در همه گستره همسای سازمانی، ایدئولوژیک و سیاسی کوشا باشند، مناسبات ما را با توده‌ها هرچه تنگاتنگ‌تر سازند و هرچه قاطعانه‌تر پیشاهنگی مبارزه را به دست گیرند. این کنفرانس، که در میدان مبارزه برگزار شد، خواستار گسترش این مبارزه و اتحاد همه نیروها در راه سرنگونی خودکامی و بی‌ریزی نظامی دموکراتیک است. ما از این راه باردیگر بر هدف تاریخی طبقه کارگر و خلق خود، یعنی گام گذاری در راه سوسیالیسم تأکید می‌ورزیم."



NAMEH MARDOM No. 6
JULY 12, 1984
 P. B. 49034
 10028 Stockholm 49
 Sweden

کنفرانس ملی حزب کمونیست شیلی همچنین همبستگی خود را با مردم، زحمتکش و کمونیستهای السالوادور، کواتالا، آرگوئه، برزیل، بولیوی و آرژانتین ابراز داشت.

در بیانیه کنفرانس در باره اوضاع کنونی شیلی آمده است:

"پایان بخشیدن به دیکتاتوری و بازگشت به دموکراسی برای کشور ضرورت حیاتی دارد و عنصر کلیدی حل معضلات زحمتکش و نیل به پیشرفت اجتماعی است."

حزب کمونیست شیلی از پی‌آمدهای خانانسون فاشیسم برای جامعه شیلی یاد میکند. اکنون بیش از یک میلیون تن در شیلی بیکارند و صدها هزار میهن‌پرست سالها در اردوگاهها، زندانها و شکنجه‌گاهها بسر برده‌اند. اقتصاد شیلی اینک وابستگی شدید به امپریالیسم دارد.

تنها با گسست کامل از سیاست‌سالهای گذشته و اتخاذ سیاستی جدید، استوار بر پایه منافع زحمتکش و اکثریت مردم و معنی پر اصول ضد امپریالیستی و ضد الیگارشی، میتوان بر این نابسامانی چیره شد. مردم را باید برای دست‌یابی به این هدف بسیج کرد. هرچند "روزهای اعتراض ملی" توانسته است، برخی آزادبها را بر رژیم تحمیل سازد، اما همچنان باید در راه تثبیت این آزادبها برزید. باید "روزهای اعتراض ملی" را ادامه داد و با همه توان در راه گسترش